

شیوه ترکیل

(ترکیل)

ترکیل به معنای اعتماد (السان العرب) ج ۱۵ ص ۲۸۸ است، که اگر با کلمه علی محتدی شود و به تکلیف فعل در آید به معنای نکه و اعتماد کردن به دیگری خواهد بود (طرورات راضی، اصلهای سی ۱۶۲ و قرآن گفته است: ترکیل علی الله به معنای این است که به خداوند در هر امری اطمینان و اعتماد من کنم (الصباح) ج ۱ و ۲ ص ۷۷۰ (قابل وارث و تکلیف).

اول: ترکیل به خداوند:

معنای ترکیل این است که بدله پروردگار خود را تکلیف خود دارد و او را همه تکاره و مطیر امور خود بداند، به این معناز تمسک که اسباب که از سبیت آنها آگهی دارند و یعنی از آنها خود اوتست. که علی است نفس، دست برداشت و بسی طبقی که تعاس اسباب به او حسوس می‌گردند تمسک که جزوی از آن است که در این معنی از اسباب های عادی نیز که آن را خدا اعلیٰ کرده است پهلوه می‌برند، اما توجه و تکیه گذاشتن خدا از خدا است. ظاهر مرعوم علام طباطبائی (ره) در این زمینه مربوط مینم مطلع است.

ظاهر صاف، آن است که اسان به آن چه که از اسباب ظاهری بر من خود و بی من خود، و قوی و ایکا، تکلیف مبتداشند که هر سی هزار و خاصیتی دارد خداوند به آن افلاطونی کرد، پیاریان در رسیدن به غرض و هدف خود به پروردگار خود اتفاق افتاد، اتفاق (ترجمه المیران) ج ۹ ص ۱۵۰

در معنای دیگر من فرمایند: اسباب عادی بخاطر این که در تأثیر خود مستلزم شود، و در ذات خود من بیان و انتخاب پیش خود نیستند، اینها می‌باشند که در ظاهض و اعراض زندگی مرسول به آنها خود در معنی توصل به آنها، تکلیف بر غیر آنها و بینی که فرق آنها است پیش خود نیستند، اینها می‌باشند که اگر چنان ترکیل پذکر نمایند، این اسباب عادی را سبب شود، و در توجه بیش اینها تمام گردند، اگر چنان ترکیل پذکر نمایند، این اسباب عادی را سبب شود، و این اسباب عادی را که خداوند، نظام و حکومه و اسراس آنها باهایانه بهم داشته همانهاز زندگی خود را بدون طریق طلب کنند، که چنین مطلب صفات و وجہی است (ترجمه المیران) ج ۱۱ ص ۱۹۹

سبک و لذتگیری در تکلیف

دوری کنید، دوری کنیدا

امام صادق علی السلام من فرمایند: رفاقت خود را به در بجز احتمان کنید، اگر این در حوصلت در آنها می‌ست رفاقت پانید، اگر شود از آنها دوری کنید، دوری کنید، حضرت در مرثی من فرماید دوری کنید، اول: بین این رفاقت اول وقت شنید به نماز هست با دار، کاتسی بینکه؟ با مسنه می‌شند؟ دوم: در موقعی داری و نشانزی خوبی می‌کند به درستان! تا من بینه روشنی من خود دختر عروس که فرشته بیرون، یعنی قلای مانشی می‌گیره، بیاره دم خوش، بینا من بینه چنگهای طن افکار، من گله نخوار من دم حالا بدینه بینه، ولی اونی که همین سور گله، بینکه، بیهی همسایه بیول شماره دو سیز گرفت بخواه، با این همه نیزه، یعنی کیلو گرفت بخواه بده (این آدم قیر) اینا نه سو دارن نه خاصیت، خوبست بس دره بخیزورن انس دنیا دارن نه آخرست.



پادشاه اسلام از قالب صوری درس احادیث آیت‌الله مجتبی تهرانی (ره) برداشت از سایت tehrani.com



